اخبار

دیدار مشاور امنیت ملی هند با شمخانی

مشاور امنیت ملی نخست وزیر هند با دبیر شورای عالی امنیت ملی کشورمان دیدار کرد.

آجیت دوآل مشاور امنیت ملی نخست وزیر هند که به تهران سفر کرده است؛ صبح دیروز با دریابان علی شمخانی، نماینده مقام معظم رهبری و دبیر شورای عالی امنیت ملی دیدار و پیرامون روابط سیاسی، امنیتی به ویژه مسائل اقتصادی دو و چندجانبه و مهم ترین تحولات منطقه‌ای و بین المللی گفت‌وگو کرد.

احضار الکاظمی برای بازجویی در پرونده ترور شهید سلیمانی

به دنبال شکایت از «مصطفی الکاظمی» نخست‌وزیر سابق عراق در پرونده شهادت فرمانده نیروی قدس سپاه پاسداران انقلاب اسلامی و نایب رئیس سازمان الحشدالشعبی، دادستان کل این کشور الکاظمی را برای بازجویی احضار کرد.

به گزارش فارس، رسانه‌های عراقی با انتشار سندی خبر دادند که دادستانی کل این کشور، «مصطفی الکاظمی» نخست‌وزیر پیشین عراق را برای بازجویی در پرونده شهادت سردار سپهبد حاج قاسم سلیمانی فرمانده شهید نیروی قدس سپاه و ابومهدی المهندس نایب رئیس سازمان الحشدالشعبی عراق احضار کرده است.

وبگاه «شفق نیوز»، شامگاه یکشنبه، با انتشار این سند، خبر داد که دادستان کل در پاسخ به شکایت «حسین مؤنس» نماینده عراقی به دادگاه فدرال دستور داده که اقدامات قانونی را در این خصوص این شکایت اتخاذ کند و در سریع‌ترین زمان ممکن نتیجه را گزارش دهد.

دفتر حسین مؤنس نماینده پارلمان عراق، شامگاه یکشنبه، متن نامه‌ای درباره شکایت از مصطفی الکاظمی نخست‌وزیر پیشین این کشور و قصور وی در مسئله ترور سپهبد قاسم سلیمانی فرمانده شهید نیروی قدس سپاه پاسداران انقلاب اسلامی و ابومهدی المهندس نائب رئیس سازمان الحشد الشعبی منتشر کرد.

در این نامه که خطاب به دادستانی کل عراق نوشته شده بود، آمده بود، بنا بر اختیاراتی که دادستانی در حمایت از نظم و امنیت حکومت و حفظ منافع عالی ملت و اموال دولتی و خصوصی دارد، «خواستار این هستیم که اقدامات حقوقی علیه مصطفی الکاظمی رئیس پیشین دستگاه اطلاعات صورت گیرد.»

سرکرده داعش در سوریه کشته شد

رئیس جمهوری ترکیه گفت نیروهای این کشور موفق شده‌اند یکی از رهبران داعش در سوریه را از پای دربیاورند.

به گزارش ایسنا، رجب طیب اردوغان در گفت‌وگو با شبکه خبری تی‌آرتی ادعا کرد نیروهای امنیتی ترکیه حسین قریشی را روز شنبه در عملیاتی از پای درآوردند. به گفته او نیروهای امنیتی ترکیه از مدت‌ها پیش به دنبال قریشی بوده‌اند.

گفته می‌شود این عملیات نظامی در شهر جندریس در شمال سوریه و در نزدیکی مرز ترکیه انجام شده است.

چرا گره توافق هسته‌ای باز نمی‌شود؟

معمای سکون برجام

با وجود گذشت بیش از ۸ ماه از آخرین دور مذاکرات وین، فضای تعلیق و بن‌بست برجامی همچنان ادامه دارد. در حالی‌که انتظار می‌رفت بعد از سفر رافائل گروسی به تهران در اسفند ماه ۱۴۰۱ گام‌هایی جدی در مسیر احیای برجام برداشته شود، پیشرفتی محسوس در این زمینه صورت نگرفته است.

در مجموع، می‌توان از تداوم فضای تعلیق و سکوت پیرامون آینده برجام سخن به میان آورد. فضایی که در درون خود این پرسش را مطرح می‌کند علت تداوم فضای تعلق چیست و تداوم روند جاری چه پیامدها و تبعاتی به همراه خواهد داشت؟

گزارش‌های اخیر روزنامه آمریکایی وال استریت ژورنال نیز از پیشرفت ناامید کننده توافقات در زمینه دوربین‌های نظارتی حکایت دارد. تنش‌زدایی میان ایران و عربستان برای از سرگیری مناسبات نیز با وجود استقبال ویژه از سوی کشورهای غربی، زمینه‌ساز گره‌گشایی در حوزه مذاکرات هسته‌ای نشده است.

در مجموع، می‌توان از تداوم فضای تعلیق و سکوت پیرامون آینده برجام سخن به میان آورد. فضایی که در درون خود این پرسش را مطرح می‌کند علت تداوم فضای تعلق چیست و تداوم روند جاری چه پیامدها و تبعاتی به همراه خواهد داشت؟

ایران می‌تواند فضای تنفس تازه ایجاد کند

در همین راستا امیرعلی ابوالفتح کارشناس مسائل آمریکا در گفت و گو با فرارو، توضیح می دهد: برای آمریکا نیز فضای مشابهی حاکم است. از یک سو آمریکایی‌ها با شبحِ نزدیک‌شدن ایران به سلاح‌های اتمی رو به رو هستند؛ و از سوی دیگر آمریکا با تحت فشار قرار دادن اقتصاد ایران، از اوج گیری قابل توجه قدرت اقتصادی این کشور مخصوصا در منطقه غرب آسیا جلوگیری می‌کند. فراموش نکنیم که ایران ظرفیت‌های قابل توجهی دارد و شکوفا شدن آن‌ها می‌تواند این کشور را به قطب اصلی اقتصادی منطقه غرب آسیا بدل کند و البته که آن را به الگویی برای کشورها و ملت‌هایی تبدیل کند که پس از یک دوره طولانی مقاومت در برابر آمریکا، توانسته اند رشداقتصادی قابل ملاحظه‌ای را به ثبت برسانند. موضوعی که به هیچ عنوان مطلوب واشنگتن نیست. از این رو، تداوم روند جاری در برجام، هم برای ایران و هم آمریکا، حامل فرصت و تهدیدهای مختلفی است و درست به همین دلیل هم است که می‌بینیم نوعی فضای سکوت حاکم است و نه از احیای برجام به صورت جدی سخن گفته می‌شود و نه مرگ قطعی این توافق اعلام می‌شود.»

امیر علی ابوالفتح در پاسخ به این سوال که ایران در فضای جاری معادله برجام، بایستی چه اقداماتی را در پیش گیرد، گفت: «این پرسش حقیقتا سخت است. اینکه چه کارهایی باید انجام داد، نیاز به داشتنِ اطلاعات دقیق و البته محرمانه دارد. مثلا ما باید بدانیم که وضعیت اقتصادی به چه صورت است؟ چه مقدار پول در خزانه وجود دارد؟ چگونه پول وارد کشور می‌شود؟ چقدر می‌شود مقاومت کرد؟ وضعیت فضای اجتماعی و امنیتی در کشور چگونه است؟ و سوال‌هایی از این دست جهت پاسخ به این پرسش شما بسیار مهم هستند. درواقع، این اطلاعاتِ محرمانه هستند که تعیین می‌کنند روندها و جهت گیری‌های آتی چگونه خواهند بود. اگر مقاومت به نفع کشور باشد باید مقامت کرد و اگر مذاکره به نفع کشور باشد باید دست به مذاکره زد. با این حال، آنچه که مهم است این نکته می‌باشد که منافع ملی باید تامین شود.»

وی خاطرنشان کرد: «درست به همین دلیل است که من معتقدم به این سوال سختِ شما، مسولان کشور باید پاسخ بدهند. به نظر من چیزی که آمریکایی‌ها از ایران می‌خواهند به مراتب بیشتر از آن چیزی است که ایران بتواند به طرف مقابل بدهد و در عین حال بتواند منافع ملی خود را نیز حفظ کند. این مساله مخصوصا با توجه به اینکه آمریکایی‌ها یک مرتبه بدعهدی کرده اند و حقوق و منافع ایران را در توافق برجام به کل تضییع کرده اند، از ابعاد جدی‌تری نیز برخوردار می‌شود و ایران بار دیگر در قالب یک توافق احتمالی جدید، این جنس کنشگری را از خود نشان نخواهد داد.»

وی ادامه داد: «البته از یاد نبریم که حتی اگر توافقی نیز حاصل شود، باز شبح مخالفت یک رئیس جمهور جمهوری‌خواه بالای سر توافق جدید نیز است. البته که حتی اگر دولت آمریکا با این توافق مخالفت نکند، کنگره آمریکا خود مانعی جدی برای حصول یک توافق با ایران خواهد بود و جز با تمکین کامل ایران به توافق جدید، موافقت خود را اعلام نخواهد کرد. موضوعی که به کل با ماهیت و هویت جمهوری اسلامی ایران در تضاد است. آمریکایی‌ها می‌خواهند که در رابطه با ایران، زمان به قبل از ۲۲ بهمن ماه سال ۱۳۵۷ باز گردد. این در حالی است که اساسا تحقق یک چنین سناریویی در روابط تهران-واشنگتن کاملا بعید به نظر می‌رسد.»

ابوالفتح گفت: «در این فضا و در شرایطی که آمریکا حاضر به کوتاه آمدن نیست، بعید است توافقی جدید حاصل شود. بار دیگر مایلم تکرار کنم که آمریکایی‌ها فقط در مورد مساله هسته‌ای با ایران به دنبال دستیابی به توافق نیستند و طیف گسترده‌تری از موضوعات را برای خود خود هدفگذاری کرده اند. موضوعی که اگر بنا باشد محقق شود معلوم نیست که چه بر سر ایران و ایرانی خواهد آمد. من مدت‌ها پیش نیز اعلام کرده‌ام وضعیت معادله برجام به همین شکلِ کج‌دارومریز ادامه پیدا خواهد کرد. زیرا آمریکایی‌ها نمی‌خواهند وارد دوره پسابرجام شوند، چون مخاطرات آن برایشان بسیار زیاد است. ایران نیز به نظر می‌رسد که با این شرایط هماهنگ شده است. درست است که فشارها علیه ایران سنگین هستند با این حال، چاره‌ای هم نیست، زیرا اساسا ایران کُرنش در برابر واشینگتن را در نقطه مقابل منافع ملی خود می‌بیند.»

ابوالفتح تصریح کرد: «برای آمریکا نیز فضای مشابهی حاکم است. از یک سو آمریکایی‌ها با شبحِ نزدیک‌شدن ایران به سلاح‌های اتمی رو به رو هستند؛ و از سوی دیگر آمریکا با تحت فشار قرار دادن اقتصاد ایران، از اوج گیری قابل توجه قدرت اقتصادی این کشور مخصوصا در منطقه غرب آسیا جلوگیری می‌کند. فراموش نکنیم که ایران ظرفیت‌های قابل توجهی دارد و شکوفا شدن آن‌ها می‌تواند این کشور را به قطب اصلی اقتصادی منطقه غرب آسیا بدل کند و البته که آن را به الگویی برای کشورها و ملت‌هایی تبدیل کند که پس از یک دوره طولانی مقاومت در برابر آمریکا، توانسته اند رشداقتصادی قابل ملاحظه‌ای را به ثبت برسانند. موضوعی که به هیچ عنوان مطلوب واشنگتن نیست. از این رو، تداوم روند جاری در برجام، هم برای ایران و هم آمریکا، حامل فرصت و تهدیدهای مختلفی است و درست به همین دلیل هم است که می‌بینیم نوعی فضای سکوت حاکم است و نه از احیای برجام به صورت جدی سخن گفته می‌شود و نه مرگ قطعی این توافق اعلام می‌شود.»

امیر علی ابوالفتح در پاسخ به این سوال که ایران در فضای جاری معادله برجام، بایستی چه اقداماتی را در پیش گیرد، گفت: «این پرسش حقیقتا سخت است. اینکه چه کارهایی باید انجام داد، نیاز به داشتنِ اطلاعات دقیق و البته محرمانه دارد. مثلا ما باید بدانیم که وضعیت اقتصادی به چه صورت است؟ چه مقدار پول در خزانه وجود دارد؟ چگونه پول وارد کشور می‌شود؟ چقدر می‌شود مقاومت کرد؟ وضعیت فضای اجتماعی و امنیتی در کشور چگونه است؟ و سوال‌هایی از این دست جهت پاسخ به این پرسش شما بسیار مهم هستند. درواقع، این اطلاعاتِ محرمانه هستند که تعیین می‌کنند روندها و جهت گیری‌های آتی چگونه خواهند بود. اگر مقاومت به نفع کشور باشد باید مقامت کرد و اگر مذاکره به نفع کشور باشد باید دست به مذاکره زد. با این حال، آنچه که مهم است این نکته می‌باشد که منافع ملی باید تامین شود.»

وی خاطرنشان کرد: «درست به همین دلیل است که من معتقدم به این سوال سختِ شما، مسولان کشور باید پاسخ بدهند. به نظر من چیزی که آمریکایی‌ها از ایران می‌خواهند به مراتب بیشتر از آن چیزی است که ایران بتواند به طرف مقابل بدهد و در عین حال بتواند منافع ملی خود را نیز حفظ کند. این مساله مخصوصا با توجه به اینکه آمریکایی‌ها یک مرتبه بدعهدی کرده اند و حقوق و منافع ایران را در توافق برجام به کل تضییع کرده اند، از ابعاد جدی‌تری نیز برخوردار می‌شود و ایران بار دیگر در قالب یک توافق احتمالی جدید، این جنس کنشگری را از خود نشان نخواهد داد.»

وی ادامه داد: «البته از یاد نبریم که حتی اگر توافقی نیز حاصل شود، باز شبح مخالفت یک رئیس جمهور جمهوری‌خواه بالای سر توافق جدید نیز است. البته که حتی اگر دولت آمریکا با این توافق مخالفت نکند، کنگره آمریکا خود مانعی جدی برای حصول یک توافق با ایران خواهد بود و جز با تمکین کامل ایران به توافق جدید، موافقت خود را اعلام نخواهد کرد. موضوعی که به کل با ماهیت و هویت جمهوری اسلامی ایران در تضاد است. آمریکایی‌ها می‌خواهند که در رابطه با ایران، زمان به قبل از ۲۲ بهمن ماه سال ۱۳۵۷ باز گردد. این در حالی است که اساسا تحقق یک چنین سناریویی در روابط تهران-واشنگتن کاملا بعید به نظر می‌رسد.»

ابوالفتح افزود: «در این فضا و در شرایطی که آمریکا حاضر به کوتاه آمدن نیست، بعید است توافقی جدید حاصل شود. بار دیگر مایلم تکرار کنم که آمریکایی‌ها فقط درمورد مساله هسته‌ای با ایران به دنبال دستیابی به توافق نیستند و طیف گسترده‌تری از موضوعات را برای خود خود هدفگذاری کرده اند. موضوعی که اگر بنا باشد محقق شود معلوم نیست که چه بر سر ایران و ایرانی خواهد آمد. من مدت‌ها پیش نیز اعلام کرده‌ام وضعیت معادله برجام به همین شکلِ کج‌دارومریز ادامه پیدا خواهد کرد. زیرا آمریکایی‌ها نمی‌خواهند وارد دوره پسابرجام شوند، چون مخاطرات آن برایشان بسیار زیاد است. ایران نیز به نظر می‌رسد که با این شرایط هماهنگ شده است. درست است که فشارها علیه ایران سنگین هستند با این حال، چاره‌ای هم نیست، زیرا اساسا ایران کُرنش در برابر واشینگتن را در نقطه مقابل منافع ملی خود می‌بیند.»

وی گفت: «در عین حال توجه داشته باشیم که جهان دیگر جهانِ سال ۲۰۱۸ که آمریکا در آن سال از برجام خارج شد هم نیست. اکنون جنگ اوکراین را داریم. تنش‌های جدی در روابط چین و آمریکا را داریم. فضای دلارزدایی از اقتصاد جهانی و ظهور قطب‌های جدید قدرت در عرصه نظام بین الملل که لزوما موافق با آمریکا نیستند را داریم. تمامی این مسائل عملا فرصت‌های تنفس تازه‌ای را مخصوصا برای ایران ایجاد کرده اند که تهران با تمسک به آن‌ها می‌تواند راه‌های تازه‌ای را ورای برجام، جهت تامین منافع ملی خود پیدا کند. اساسا به همین دلیل هم است که ایران اکنون مایل نیست تا زمانی که امتیاز قالب توجهی را از آمریکایی‌ها دریافت نکرده، تن به توافق جدید با این کشور بدهد.»

تداوم وضعیت پرتنش، برای ایران هزینه‌زا خواهد بود

این صحبت ها در حالی مطرح می شود که فریدون مجلسی دیپلمات پیشین و کارشناس مسائل بین الملل در توضیح دلایل وضعیت سکون و رکود جاری در قالب معادله برجام به سایت فرارو گفت: «من دلیل اصلی تعلیق جاری را این می‌دانم که در مواضع ایران و آمریکا در مورد برجام هیچ تغییری رخ نداده است. توجه داشته باشیم که مثلا تنش زدایی میان ایران و عربستان که اخیرا اتفاق افتاده، یک خواسته دو جانبه بوده که البته امکان بهره برداری تجاری و بازرگانی را برای ایران فراهم نمی‌کند. زیرا ایران نه FATF را پذیرفته و نه در نظام مالی بین المللی در شرایط کنونی فعال است و حضور دارد».

وی افزود: «در این فضا، برخی توهمات در مورد بریکس و دیگر نهادهای بین‌المللی و کنش اقتصادی ایران وجود دارد که در فضایی به شدت محدود قابل اجرا است، اما در کلیت آن چندان از قابلیت تحقق برخوردار نیست. با این همه، هنوز می‌بینیم که درگیری‌های ایران در منطقه همچنان برقرار است و به طور کلی فضای تنش در منطقه پایین نیامده است. در عین حال، سفر اخیر رافائل گروسی به ایران نیز بیشتر جنبه اتمام حجت با ایران را داشت. برخی معتقدند که، چون ایران توانسته پیشرفت‌های اتمی قابل ملاحظه‌ای را ثبت کند، این درک راهبردی ایجاد شده که می‌تواند به توافق بهتری نیز با غرب برسد. با این حال من چندان خوش بین نیستم و حتی نگرانم که شاید این وضع به یک برخوردِ به شدت جدی ختم شود.»

مجلسی در توضیح نتایج و پیامدهای تداوم روند کنونی در معادله برجام گفت: «به نظر من تداوم روند جاری در برجام صرفا تا شهریورماه سال کنونی امکان پذیر است، زیرا در این تاریخ، دوران برجام به پایان می‌رسد و غرب در مورد فضای پس از آن نگرانی دارد و ایران نیز شاید این نگاه را داشته باشد که محدودیت‌ها از پیش پایش برداشته شده اند. با این حال، طرف‌های غربی جدیت خود را دارند و صبر می‌کنند که پایان برجام نزدیک شود و سپس به تهران می‌گویند که یا توافق جدید را می‌پذیرید و یا مکانیسم ماشه را علیه شما فعال می‌کنیم».

خبر

۳ دلیل میزبانی آمریکا از مذاکره ارمنستان و آذربایجان

کارشناس مسائل روسیه و قفقاز گفت: اگر به جای نخست‌وزیر فعلی ارمنستان شخص دیگری این سمت را عهده‌دار بود، احتمال اینکه روسیه موضع تندی علیه آذربایجان اتخاذ کند افزایش پیدا می‌کرد.

حسن بهشتی‌پور کارشناس مسائل روسیه و قفقاز با اشاره به دیدار و مذاکره وزرای امور خارجه ارمنستان و جمهوری آذربایجان در گفت‌وگو با ایلنا عنوان کرد: دلیل اینکه آمریکا تلاش کرده میان ارمنستان و جمهوری آذربایجان میانجیگری کرده و به زعم خود آنها را برای امضای توافق صلح ترغیب کند، رابطه گرم و صمیمانه نیکول پاشینیان، نخست‌وزیر ارمنستان با ایالات متحده است. توجه داشته باشید که در ارمنستان مقام تصمیم‌گیرنده نخست‌وزیر است و عملاً رئیس‌جمهوری این کشور یک جایگاه تشریفاتی دارد. به همین دلیل معتقدم به دلیل هماهنگی‌هایی که پاشینیان با ایالات متحده دارد توانسته تا حدودی آمریکا را به این سمت سوق دهد که بیش از گذشته در منازعه میان ایروان و باکو ایفای نقش کند. از سوی دیگر باید متوجه بود که لابی ارامنه در آمریکا و به خصوص در کنگره این کشور از جایگاه مهمی برخوردار است و به همین دلیل باید گفت مجموع این دو عامل باعث شد تا وزرای خارجه ارمنستان و جمهوری آذربایجان به واشنگتن سفر کنند و با یکدیگر بر سر میز مذاکره بنشینند.

وی ادامه داد: این در حالیست که آذربایجان هم با کمک ترکیه در جنگ اخیرش با ارمنستان توانست برخی از مناطق را پس بگیرد و حالا این روند به جایی رسیده که نیاز به امضای یک توافق جامع صلح از سوی نظام بین‌الملل حس می‌شود. در شرایط کنونی و پس از درگیری دو کشور که با میانجیگری روسیه و ارسال نیروهای حافظ صلح این کشور به پایان رسید بسیاری از کارشناسان معتقدند که توافق منعقد شده میان دو طرف با مشکلات زیادی روبه‌رو است و به همین دلیل انتقادهای فراوانی علیه متن این توافق مطرح می‌شود. در این بین بحث افتتاح یک دالان برای دسترسی به نخجوان هم یکی دیگر از مسائلی است که ارمنستان معتقد است آذربایجان در این موضوع تمامیت ارضی ایروان را زیر سوال برده است. به همین جهت ایالات متحده حس کرده که در فضای فعلی میتواند با فعال کردن سیاست خارجی خود، گره کور تنش باکو و ایروان را باز کند که به نظرم این نتیجه دور از ذهن و غیرقابل دسترس است. این تحلیلگر مسائل سیاسی تصریح کرد: آنچه باید مورد نظر قرار بگیرد این است که نخست‌وزیر ارمنستان در وضعیتی قرار ندارد که بتواند تمام مشکلات کشورش با آذربایجان را به این زودی حل و فصل کند؛ چراکه همین حالا مجدداً باکو ادعاهای تاریخی خود را مطرح کرده و حتی اسامی مناطق تحت نظارتش را بر اساس همین دیدگاه تاریخی تغییر داده است. آنچه در این بین منطقی به نظر می‌رسد این است که هر دو طرف توافق آلماتی را پذیرفته‌اند و هیچکدام از دو طرف نمی‌توانند آن را نادیده بگیرند. به این دلیل ایالات متحده در حال عرض اندام در حیاط خلوت روسیه است که باید این موضوع را دلیل سوم دانست اما معتقدم واشنگتن توان حل و فصل این منازعه را نخواهد داشت. در این بین باید متوجه بود که روسیه هم در حال رصد اوضاع و رفتار و اقدامات ایالات متحده است.

وی افزود: بدون شک مسکو به این اقدام واشنگتن با دید مثبت نگاه نمی‌کند اما بحث اینجاست که روسیه خودش در شرایط فعلی درگیر یک جنگ مبهم از حیث نتیجه است ولی باز هم این موضوع به معنای صفر شدن نقش و تاثیر روس‌ها در قفقاز نیست. این در حالیست که روسیه با نخست‌وزیر ارمنستان روابط خوبی ندارد و معتقدم که اگر به جای پاشینیان شخص دیگری نخست‌وزیر ارمنستان بود، احتمال اینکه روسیه موضع تندی علیه آذربایجان اتخاذ کند افزایش پیدا می‌کرد. لذا معتقدم که روس‌ها یک فشار مشخصی را به پاشینیان وارد کردند اما این بدان مفهوم نیست که آنها به دنبال تضعیف بیش از حد ایروان باشند و بخواهند ارمنستان با چالش‌های زیادی روبه‌رو شود تا در نهایت باکو بر این کشور اشراف پیدا کند.

بهشتی‌پور در پایان خاطرنشان کرد: به همین دلیل روسیه ترجیح می‌دهد که فعلاً به صورت مستقیم وارد این درگیری نشود و صرفاً نظاره‌گر اوضاع است. اما اینکه یالات متحده وارد حیاط خلوت روسیه شود موضوعی نیست که بدون شک روس‌ها با آن موافق باشند. لذا باید دید که خروجی نشست وزرای خارجه ارمنستان و آذربایجان در واشنگتن چه خواهد بود، ولی بر اساس تجربه و به گواه تاریخ فکر نمی‌کنم که خروجی خاصی از این نشست حاصل شود و صرفاً باید آن را یک مانور قدرت از سوی ایالات متحده علیه روسیه دانست.

شائبه بیماری در آستانه انتخابات حساس

با مرگ اردوغان، اردوغانیسم به پایان نمی‌رسد!

مایکل روبین عضو ارشد موسسه آمریکن اینترپرایز در مقاله ای درباره وضعیت رجب طیب اردوغان و آینده سیاسی او با توجه به انتخابات ۲۴ اردیبهشت نوشت: اخیرا طی یک مصاحبه تلویزیونی، یک مورد پزشکی ناگهانی اردوغان را ناتوان کرد. دفتر ریاست جمهوری ترکیه این حادثه را به دلیل مشکلات معده رد کرد، اما شایعاتی در داخل ترکیه وجود دارد مبنی بر اینکه رئیس جمهور دچار حمله قلبی شده و وضعیت وی در بیمارستان بدتر شده است.

ترکیه یک دولت پلیسی اقتدارگرا و بدون رسانه های آزاد است و بنابراین در این مرحله نمی توان حقیقت را دانست. هر دموکراتی که هر روز صبح از خواب بیدار می شود می داند که دولتش چه زمانی به پایان می رسد. اما هر دیکتاتوری که بیدار می شود نگران است که امروز آخرین روز او باشد. اردوغان مدتهاست در اردوگاه دوم حضور داشته است.

به گزارش خبرآنلاین، در ادامه این مطلب آمده است: فکر نکنید که سلطنت او با مرگ، تبعید، زندان یا اعدام به پایان خواهد رسید. این تصور که فردی که از دموکراسی بیزار است، داوطلبانه کناره گیری می کند یا به ناظران انتخابات اجازه می دهد تا بازنده بودن او را تایید کنند، خیال بافی دیپلمات‌ها و اندیشمندان است.

اگر اردوغان بمیرد یا اگر از بحران سلامتی خود استفاده کند تا نامزدی خود را به یکی از بستگان یا نزدیکانش واگذار کند، آمریکا و اروپا نباید جشن بگیرند. پس از ۲۰ سال اردوغانیسم، بازگشت آسانی به وضعیت قبلی وجود ندارد.

طی این مدت اردوغان بخش بانکی و هیئت های حسابرسی دولتی را در اختیار گرفته است. او در تلقین بیش از ۳۰ میلیون دانش آموز موفق بوده (یا حداقل درصدد آن بوده تا آنها را شستشوی مغزی دهد)

فارغ التحصیلان حوزه های علمیه و ایدئولوگ های اردوغان اکنون در کل بوروکراسی نفوذ کرده اند. در غیاب پاکسازی دسته جمعی، از بین بردن آنها غیرممکن خواهد بود. او همچنین ارتش را متحول کرده است: هر سرباز، ملوان و خلبان اکنون حرفه و پیشرفت خود را مدیون وفاداری به اردوغان است. کسانی که ترکیه را در اولویت قرار دادند اکنون در زندان هستند.

اقتصاد ترکیه در حال نابودی است. شایعه شده اردوغان و یارانش ۴۰۰ میلیارد دلار را دزدیده اند. بخشی از این مبلغ به روسیه، بخشی در دبی یا دوحه، جزایر کیمن و یا پاناما رفته است. برای بازیابی پول دزدیده شده به تلاش بین المللی نیاز است. سوابق جامعه بین المللی در مورد چنین تلاش‌هایی ضعیف است. اگر اینطور نبود، بازار املاک و مستغلات لندن مدت‌ها پیش سقوط می کرد.

ترمیم جامعه حتی بیشتر طول می‌کشد. میراث رهبران کودتا در سال‌های ۱۹۶۰ و ۱۹۸۰ بد بود، اما میراث اردوغان بدتر بود. او جامعه مدنی را از بین برد. دیگر هیچ مطبوعات مستقلی وجود ندارد که بتوان از آن سخن گفت.

او اقلیت‌های قومی را روبه‌روی یکدیگر قرار داده و علیه یونانی‌ها، آشوری‌ها، ارمنی ها، علوی‌ها و کردها نفرت پراکنی کرده که از زمان آتاترک به این سو در ترکیه بی سابقه بوده است.

نیروهای ترکیه باید از سوریه، عراق و قبرس خارج شوند. آنها باید از تهدید ارمنستان و یونان دست بردارند.

نهادهای اردوغان برخی را هم در ایالات متحده و هم در اروپا فاسد کرده است. اسناد باید برای بازرسی باز باشد تا ببینیم چه کسی و چگونه به دنبال دور زدن قوانین ایالات متحده بوده است و چگونه برخی از افراد نیابتی قانون ثبت نام عاملان خارجی را به سخره می گیرند. کنگره باید بداند که او و برخی در بنیادهای واشنگتن، اتاق‌های فکر و دانشگاه ها چگونه به دنبال ایفای نقش هستند

نکته این است که هم در واشنگتن و هم در بروکسل این تفکر وجود خواهد داشت که بدترین روابط با ترکیه به پایان رسیده است. این ممکن است درست باشد، اما زودهنگام است که باور کنیم بازگشت به وضعیت قبلی قریب الوقوع است.